

طراحی مدل و ارزیابی نقش تعدیلی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران

سیدعباس دریاباری

دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

قدرت‌اله طالب‌نیا*

دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

محمد خدایی وله زاقرد

استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

فائق احمدی

استادیار گروه حسابداری و مالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قشم، قشم، ایران

حمیدرضا وکیلی‌فرد

دانشیار گروه مدیریت مالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: 99/01/21 پذیرش: 99/04/07

چکیده: حاکمیت شرکتی، ساختارهایی را فراهم می‌کند که بر عملکرد سازمان نظارت بیشتری وجود داشته باشد. به همین دلیل یکی از این سازوکارها، وجود اعضای مستقل و متخصص در کمیته حسابرسی است که می‌تواند موجب کاهش تضاد منافع بین مدیران و ذی‌نفعان و افزایش کیفیت گزارشگری مالی از طریق اطلاعات قابل‌مقایسه و اتکا به سهامداران گردد و به تبع آن، افزایش کیفیت گزارشگری مالی از طریق کمیته حسابرسی باعث کاهش ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود؛ لذا بر پایه این استدلال، پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری به بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت و مطالعه اثر تعدیل‌کنندگی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر این رابطه می‌پردازد. نمونه آماری پژوهش حاضر متشکل از 150 شرکت پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های 1392 تا 1397 است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که کیفیت گزارشگری مالی موجب کاهش ریسک سقوط قیمت سهام شرکت می‌گردد. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که ویژگی‌های کمیته حسابرسی رابطه منفی بین کیفیت گزارشگری مالی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها را تعدیل و تشدید می‌کند.

واژگان کلیدی: ریسک سقوط قیمت سهام، کیفیت گزارشگری مالی، کمیته حسابرسی، بورس اوراق بهادار تهران

طبقه‌بندی JEL: H54, D92, G12, K22

1- مقدمه

ریسک سقوط قیمت سهام، خطر اخلاقی ناشی از عدم‌تقارن اطلاعات شرکت می‌باشد (Li, 2017). هنگامی که سرمایه‌گذاران نسبت به مدیران شرکت، اطلاعات کمتری دارند، مدیران اخبار بد را پنهان می‌کنند و منجر به ارزشیابی بیشتر عملکرد شرکت می‌شوند و در نهایت با افشای اخبار بد به یک‌باره، قیمت سهام، افت چشمگیری می‌یابد و باعث سقوط قیمت سهام شرکت می‌گردد (Tee, 2019). طبق استدلال محققان نظیر مهکنین¹ (2012) ریسک‌های شرکت‌ها به‌طور گسترده می‌تواند باعث ایجاد خسارت در بخش‌های مالی، استراتژیک و عملیاتی گردد. لذا لی و چان² (2016) مهم‌ترین ریسک را که سرمایه‌گذاران با آن مواجه هستند، ریسک سقوط قیمت سهام می‌دانند؛ بنابراین سرمایه‌گذاران به دنبال تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک‌های خود از جمله ریسک سقوط قیمت سهام هستند (Lee et al., 2109). از سویی دیگر، شفافیت اطلاعات مالی، همواره، یکی از مؤثرترین متغیرها در تعیین استراتژی سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی بوده است (فروغی و همکاران، 1390). از آنجایی که مدیران، همواره به دنبال جلب رضایت تأمین‌کنندگان سرمایه شرکت‌ها هستند، سعی می‌کنند اطلاعات منتشر شده، منطبق با تمایلات آن‌ها باشد. در نتیجه، به نظر می‌رسد وجود بی‌ثباتی و عدم‌شفافیت اطلاعات مالی، ریسک سقوط قیمت سهام را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دارابی و ریاضی، 1395). بسیاری از تحقیقات در زمینه ریسک سقوط قیمت سهام، مدیران را عامل اصلی برشمارده و در مرکز این تئوری، اطلاعات انگیزه و توانایی مدیران برای پنهان کردن اخبار بد است (Kim et al., 2011; 2016).

چن و کامال³ (2018)، دی‌فرانکو⁴ و همکاران (2011) و کیم⁵ و همکاران (2013) بر این باورند که گزارش‌های مالی قابل‌مقایسه، هزینه اطلاعات و پردازش استفاده‌کنندگان از آن را کاهش و کیفیت اطلاعات مالی را افزایش می‌دهد؛ بنابراین یکی از معیارهای مهم در کیفیت اطلاعات مالی، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی است و اعتقاد بر این است که قابلیت مقایسه به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی منجر به کاهش انگیزه و توانایی مدیران برای پنهان‌کاری اخبار منفی می‌شود؛ زیرا سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان با دسترسی به اطلاعات و صورت‌های مالی شرکت‌های مشابه و امکان شناخت اطلاعات نه‌فقط می‌توانند درک بهتری از عملکرد شرکت داشته باشند بلکه بخشی از اخبار منفی درباره آن را حتی در صورت عدم‌افشا از طریق استنتاج بر اساس عملکرد یا افشای همتایان آن‌ها به دست می‌آورند (Kim et al., 2016). از سویی، حسابرسی با کیفیت بالا، موجب دفاع از سرمایه‌گذار و افزایش سود شرکت می‌شود. حسابرسان می‌خواهند نظارت مدیران را ارزیابی کنند و بررسی نمایند که آن‌ها چقدر محافظ منافع و نیازهای سهامداران هستند. کنترل‌های حسابرسی که مستقل و مطابق با ضوابط اخلاقی هستند، احتمال قصور و سهل‌انگاری در حسابرسی را کاهش می‌دهند و نیز اعتبار حسابرسان را بالا خواهند برد (کردستانی و خاتمی، 1395)؛ لذا وجود کمیته حسابرسی می‌تواند بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها از طریق نظارت بر امور شرکت اثرگذار باشند (Kim et al., 2013). برای مثال؛ طالب‌نیا و رجب‌دري (1397) بر این باورند که کیفیت کمیته حسابرسی، موجب افزایش شفافیت در اطلاعات می‌شود که با توجه به تأثیر آن در شفافیت و انتشار اخبار صحیح و کامل، موضوعی اخلاقی است. در نتیجه، این انتظار وجود دارد که کیفیت کمیته حسابرسی (با افشای اطلاعات صحیح) موجب کاهش ریسک سقوط

3- Chen and Komal

4- De Franco

5- Kim

1- Miihkinen

2- Li

تضعیف رابطه بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود.

چن و کومال^۲ (2018) در مطالعه‌ای به بررسی فراتحلیل تخصص کمیته حسابرسی و کیفیت سود پرداختند. آن‌ها دریافتند که وجود ارتباطات سیاسی توسط مدیران در شرکت‌ها باعث کاهش ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود و هرچه صورت‌های مالی از کیفیت بالاتری برخوردار باشند باعث کاهش ریسک سقوط قیمت سهام می‌گردد.

باجرا و کادز^۳ (2018) به بررسی کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده عمومی در اتحادیه اروپا پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که اثربخشی و شایستگی نظارت بر کمیته حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی ارتباط مثبت دارد، این در حالی است که وجود کمیته حسابرسی شرط لازم و کافی برای افزایش کیفیت گزارشگری مالی نیست. بنابراین شرکت‌هایی که دارای کمیته حسابرسی هستند، از نظارت بیشتری بر رفتارهای مدیران برخوردار بوده و این امر باعث افزایش کیفیت صورت‌های مالی از طریق کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران می‌گردد.

کیم و همکارانش (2016) به بررسی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن است که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث درک سرمایه‌گذاران از ریسک سقوط قیمت سهام و پنهان‌سازی اخبار بد توسط مدیران در شرکت می‌گردد.

ب) پژوهش‌های داخلی

خزایی و همکارانش (1398) به بررسی توانایی مدیریت بر میزان قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با استفاده از یک نمونه متشکل از 120 شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های 1384 تا 1396 پرداختند. نتایج نشان می‌دهند که

قیمت سهام شود؛ بنابراین کمیته حسابرسی از طریق افزایش کیفیت افشای اطلاعات باعث کاهش ریسک سقوط قیمت سهام می‌گردد و مطابق با این استدلال، پژوهش حاضر درصدد بررسی طراحی و ارزیابی مدلی برای سنجش کیفیت گزارشگری مالی و ریسک سقوط قیمت سهام با تأکید بر نقش تعدیلی کمیته حسابرسی است. فرضیه‌های این پژوهش عبارتند از:

- 1- کیفیت گزارشگری مالی بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر منفی دارد.
- 2- کمیته حسابرسی، تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر ریسک سقوط قیمت سهام را تعدیل می‌کند.

2- پیشینه تحقیق

الف) پژوهش‌های خارجی

کیم و همکارانش (2020) به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی قبل از اعلان سود در شرکت‌های ایالات متحده آمریکا طی سال‌های 1994 تا 2016 پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی قبل از اعلان سود در محیط‌های اطلاعاتی مبهم، حجم معاملات سهام را کاهش می‌دهد. این بدین معنی است که هنگامی که صورت‌های مالی از قابلیت بالای مقایسه برای استفاده‌کنندگان قبل از اعلان سود در محیط اطلاعاتی مبهم برخوردار است، باعث کاهش حجم معاملات سهام توسط سرمایه‌گذاران می‌گردد؛ زیرا این شرکت‌ها از شفافیت اطلاعاتی بالایی برخوردار نیستند.

فانگ^۱ و همکارانش (2020) ضمن بررسی ارتباط بین ارتباطات سیاسی و ریسک سقوط قیمت سهام با تأکید بر نقش تعدیلی کیفیت گزارشگری مالی نشان دادند که داشتن ارتباطات سیاسی باعث کاهش ریسک سقوط قیمت سهام می‌گردد. همچنین کیفیت گزارشگری مالی باعث کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی و

2- Chen and Komal

3- Bajra and Čadež

1- Fang

توانایی مدیریت، تأثیر مثبت و معناداری بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی دارد.

بادآور نهندی و بابایی (1398) در پژوهشی به بررسی ارتباط قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و ریسک سقوط قیمت سهام با تأکید بر نقش عدم تقارن اطلاعاتی برای یک نمونه متشکل از 132 شرکت طی سال‌های 1385 تا 1394 پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و ریسک سقوط قیمت سهام ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. نوری‌فرد و کاظمی (1398) به بررسی رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و ریسک سقوط مورد انتظار قیمت سهام بر اساس یک نمونه متشکل از 81 شرکت طی بازه زمانی 1389 تا 1395 پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان‌دهنده رابطه معنادار و منفی بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و ریسک سقوط مورد انتظار قیمت سهام می‌باشد.

رضائی پیت‌ه نوئی و عبدالمی (1398) با استفاده از یک نمونه متشکل از 89 شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های 1392 تا 1396 نشان دادند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی می‌تواند با افزایش شفافیت و قابل فهم بودن گزارش‌های مالی منجر به کاهش رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و احتمال گزارشگری متقلبانه شود.

3- مبانی نظری

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، یکی از ویژگی‌های کیفی بسیار مهم در صورت‌های مالی است که سودمندی اطلاعات ارائه‌شده توسط مدیران را افزایش می‌دهد و باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌ها می‌گردد (International Accounting Standards Board, 2018)؛ لذا قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به‌عنوان معیاری برای کیفیت گزارشگری مالی به حساب می‌آید. طبق تعریف هیئت استانداردهای حسابداری مالی، قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های کیفی ارتقادهنده کیفیت به شمار می‌رود که

استفاده‌کنندگان را قادر می‌سازد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های مربوط به عملکرد مالی واحدهای اقتصادی مختلف را بهتر شناسایی نمایند (خزایی و همکاران، 1398). با توجه به سطح اهمیت قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، محققان بسیاری برای مثال، میزان تأخیر معاملات و اعلان سود (Kim et al., 2020)، ارزش سهام (Palepu & Healy, 2013)، توانایی مدیریت، احتمال گزارشگری متقلبانه، نگهداشت وجه نقد (Habib et al., 2017) و مدیریت سود (Ross et al., 2019)، به جنبه‌های مختلف مقایسه اطلاعات حسابداری پرداختند. مطالعات انجام‌گرفته درباره قابلیت مقایسه صورت‌های مالی نشان می‌دهد که این ویژگی کیفی می‌تواند هزینه‌های استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را برای تحصیل و تحلیل کاهش دهد و کیفیت اطلاعات مالی منتشرشده را افزایش دهد (حاجیه و چناری بوکت، 1396). اعتقاد بر این است که قابلیت مقایسه که یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی است، منجر به کاهش انگیزه و توانایی مدیران برای پنهان‌کاری اخبار منفی می‌شود؛ زیرا سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان با دسترسی به اطلاعات و صورت‌های مالی شرکت‌های مشابه و امکان شناخت اطلاعات نه‌فقط می‌توانند درک بهتری از عملکرد شرکت داشته باشند، بلکه بخشی از اخبار منفی درباره آن را حتی در صورت عدم افشا از طریق استنتاج بر اساس عملکرد یا افشای همتایان آن‌ها به دست می‌آورند (Kim et al., 2016). مدیران شرکت‌ها بر اساس نظریه اطلاعات مدیریت همواره انگیزه دارند تا اطلاعات و اخبار منفی را از سرمایه‌گذاران پنهان کرده و آن‌ها را در داخل شرکت انباشت کنند. نتیجه این عملیات منجر به این می‌شود که تصویر واحد تجاری بهتر از وضعیت واقعی به نظر رسیده و انگیزه افراد برون‌سازمانی برای سرمایه‌گذاری در واحد تجاری افزایش یابد (احمدی و همکاران، 1398). کیم و لیم¹ (2017) اعتقاد دارند با افزایش سطح کیفی قابلیت مقایسه در صورت‌های مالی،

1- Lim

1399

که کمیته‌های حسابرسی اثربخش در شرکت‌ها باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش پنهان‌سازی اخبار بد توسط مدیران شرکت از طریق افزایش افشای بالای اطلاعات می‌گردد و هرچه اطلاعات ارائه‌شده توسط مدیران، شفافیت و کیفیت بالایی داشته باشد، کیفیت گزارشگری مالی نیز افزایش خواهد یافت (مهربان‌پور و همکاران، 1399)؛ لذا کمیته حسابرسی از طریق ایجاد فعالیت‌های نظارتی بر مدیران، باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی شده و افزایش کیفیت گزارشگری مالی مطابق با فرضیه عدم تقارن اطلاعات، ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش می‌دهد.

4- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از حیث نحوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی می‌باشد. همچنین، از نظر شیوه استدلال، قیاسی-استقرایی و به دلیل مطالعه داده‌های مربوط به یک مقطع زمانی خاص، روش تحلیل داده‌ها به صورت سری زمانی و مبتنی بر روش تحلیل مسیر است. داده‌های موردنیاز شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه کدال، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار استخراج گردید. ابزار اندازه‌گیری داده‌های پژوهش، اطلاعات منتشر شده توسط شرکت‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار تهران است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های 1392 تا 1397 است. عدم دسترسی به داده‌های صورت مالی 1398، دوره زمانی پایانی پژوهش سال 1397 انتخاب شد. از سوی دیگر به دلیل استفاده از مدل رگرسیونی تابلویی و نیاز به داده‌های بیش از 5 سال مالی شرکت‌ها، سال ابتدایی پژوهش، سال 1392

اطلاعات مفیدتری در دسترس سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرد که این امر می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی را تحت تأثیر قرار دهد (بادآور نهندی و بابایی، 1398)؛ لذا افزایش کیفیت گزارشگری مالی از طریق قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و به تبع آن باعث کاهش پنهان‌سازی اخبار بد در شرکت و ریسک سقوط قیمت سهام خواهد شد (شکری دوغ‌آبادی و مرادی، 1398). از سویی دیگر، موضوع تغییرهای ناگهانی قیمت سهام، طی سال‌های اخیر و به‌ویژه بعد از بحران مالی سال 2008، توجه بسیاری از دانشگاہیان و افراد حرفه‌ای را به خود جلب کرده است. هیئت نظارت عمومی و کمیته بلوریون معتقدند عملکرد کمیته حسابرسی زمانی از کیفیت بالایی برخوردار است که اعضای کمیته حسابرسی مستقل باشند و این امر، به ارتقای اعتبار گزارشگری مالی منجر خواهد شد. بر اساس نظر پرسونز¹ (2013) عضوی از کمیته حسابرسی مستقل نامیده می‌شود که هیچ‌گونه رابطه شخصی یا مالی با شرکت و یا مدیران اجرایی شرکت نداشته باشد. کلین² (2002) نیز بیان داشت رابطه منفی بین استقلال کمیته حسابرسی و رویه‌های مدیریت سود وجود دارد. همچنین، اندازه کمیته حسابرسی باعث افزایش افشای داوطلبانه اطلاعات می‌شود؛ زیرا احتمال اینکه در کمیته حسابرسی، اعضای پای‌بند به اخلاق وجود داشته باشند، بیشتر است (Persons, 2010). دالتون³ و همکاران نیز دریافتند که بین اندازه کمیته حسابرسی و وظیفه نظارتی آن، رابطه مستقیم وجود دارد و هرچه اندازه آن بزرگ‌تر باشد، عملکرد شرکت بهتر خواهد بود (توانگر حمزه کلایی و اسکافی اصل، 1397). ازاین‌رو، بزرگ بودن کمیته حسابرسی از طریق اثربخشی بیشتر نظارت شرکت، افشای داوطلبانه اطلاعات را موجب می‌شود (Othman et al., 2014)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت

1- Persons

2 -Klein

3- Dalton

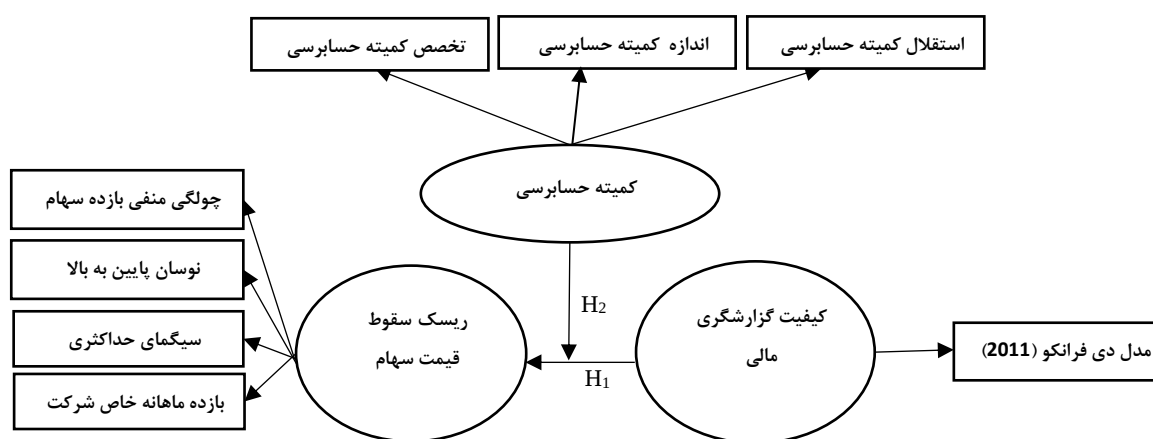
انتخاب گردید. نمونه انتخابی پژوهش نیز شرکت‌هایی می‌باشند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

- 1- شرکت‌هایی که از ابتدا تا انتهای سال 1397 در عضویت بورس اوراق بهادار باشند.
- 2- به‌منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
- 3- طی سال مذکور تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.
- 4- جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند (شرکت‌های سرمایه‌گذاری به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها در جامعه آماری منظور نشدند).

پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد 150 شرکت به‌عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند.

تجزیه و تحلیل نهایی داده‌های گردآوری‌شده نیز با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار PLS صورت گرفته است. مراحل مدل‌سازی معادلات ساختاری بدین ترتیب است که ابتدا به بررسی برازش مدل (شامل برازش مدل‌های اندازه‌گیری، برازش مدل ساختاری و برازش مدل کلی) و سپس به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود.

با توجه به مبانی نظری تحقیق، چارچوب مدل مفهومی تحقیق حاضر بر اساس رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری در شکل 1 ترسیم شده است.



شکل 1- مدل مفهومی تحقیق

ابتدا برای هر شرکت -سال رابطه زیر با استفاده از داده‌های سری زمانی مربوط به پایان سال t برآورد خواهد شد.

$$\text{Earning}_{i,k} = \beta_0 + \beta_1 \text{Return}_{i,t} + \epsilon_{i,t} \quad (1)$$

متغیر وابسته: ریسک سقوط قیمت سهام است که برای اندازه‌گیری آن مطابق با پژوهش لی و همکاران (2017) و کائو¹ و همکاران (2016) از چهار معیار استفاده شده است:

متغیر مستقل: متغیر مستقل پژوهش کیفیت گزارشگری مالی است که برای اندازه‌گیری آن از مدلی که دفرانکو و همکاران (2011) ارائه کرده‌اند، استفاده شده است. در چارچوب این مدل، سیستم حسابداری یک شرکت به عنوان تابعی در نظر گرفته می‌شود که رویدادهای اقتصادی (بازده سهام) را به گزارش‌های مالی (سود حسابداری) تبدیل می‌کند. به‌طوری‌که هرچه تابع حسابداری دو شرکت شباهت بیشتری با هم داشته باشد، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی آن‌ها بیشتر خواهد بود. با استفاده از این معیار برای محاسبه قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j به طریق زیر عمل شده است:

در این رابطه W : میانگین بازده ماهانه خاص شرکت و θ_w : انحراف استاندارد بازده ماهانه خاص شرکت می باشد.

معیار چهارم، بازده ماهانه خاص شرکت: مطابق با پژوهش هاتن² و همکاران (2009) و اندرو³ و همکاران (2016) از رابطه 5 جهت سنجش بازده ماهانه خاص شرکت استفاده خواهد شد.

بازده ماهانه خاص شرکت که با $W_{i,\theta}$ نشان داده می شود، برابر است با لگاریتم طبیعی عدد 1 به علاوه عدد باقی مانده $(\varepsilon_{i,\theta})$ که از رابطه (5) محاسبه می گردد:

$$W_{i,\theta} = \ln(1 + \varepsilon_{i,\theta}) \quad (5)$$

در رابطه فوق، $\varepsilon_{i,\theta}$ بازده باقی مانده سهام شرکت i در ماه θ است که از طریق مقادیر باقی مانده حاصل از برآورد مدل زیر محاسبه می شود:

$$r_{i,\theta} = \alpha + \beta_{1i} r_{m,\theta-2} + \beta_{2i} r_{m,\theta-1} + \beta_{3i} r_{m,\theta} + \beta_{4i} r_{m,\theta+1} + \beta_{5i} r_{m,\theta+2} + \varepsilon_{i,\theta} \quad (6)$$

در این رابطه، $r_{i,\theta}$: بازده سهام شرکت i در ماه θ ماهانه بازار، شاخص ابتدای ماه از شاخص پایان ماه، کسر و حاصل بر شاخص ابتدای ماه تقسیم می شود.

متغیر تعدیل گر: ویژگی های کمیته حسابرسی برای محاسبه ویژگی های کمیته حسابرسی از سه معیار اندازه کمیته حسابرسی، استقلال کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی استفاده شده است.

استقلال کمیته حسابرسی: کیبیا⁴ و همکاران (2016) بر این باورند که استقلال کمیته حسابرسی باعث کاهش رفتارهای فرصت طلبانه مدیران و افزایش کیفیت گزارشگری مالی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می شود؛ بنابراین، استقلال کمیته حسابرسی برای نظارت بر روند گزارشگری مالی امری ضروری است. استقلال اعضای کمیته حسابرسی از طریق نسبت اعضای مستقل

معیار اول ریسک سقوط قیمت سهام، چولگی منفی بازده سهام (NCSKEW): جهت محاسبه چولگی منفی بازده سهام از طریق رابطه (2) محاسبه می گردد.

$$NCSKEW_{it} = -[n(n-1)^{\frac{3}{2}} \quad (2)$$

$\sum W_{i,\theta^3} / [(n-1)(n-2)(\sum W_{i,\theta^2})^{\frac{3}{2}}]$
در رابطه فوق، $W_{i,\theta}$: بازده ماهانه خاص شرکت i در ماه θ و n : تعداد بازده ماهانه مشاهده شده طی سال مالی می باشد. در این مدل هرچه مقدار ضریب چولگی منفی بیشتر باشد، آن شرکت در معرض سقوط قیمت سهام بیشتری قرار خواهد بود.

دومین معیار ریسک سقوط قیمت سهام، نوسان های پایین به بالا (DUVOL): برای اندازه گیری دومین معیار، ابتدا میانگین بازده خاص شرکت ها محاسبه و سپس داده های مربوط به آن به دو دسته کمتر از میانگین و بیشتر از میانگین تفکیک شده و انحراف معیار هریک به طور مجزا محاسبه می شود. سپس برای محاسبه نوسان های پایین به بالا از رابطه (3) استفاده می گردد:

$$DUVOL_{i,t} = \log \left(\frac{Down_{i,t}}{Up_{i,t}} \right) \quad (3)$$

که در آن $Down_{i,t}$: انحراف معیار مشاهدات کمتر از میانگین و $Up_{i,t}$: انحراف معیار مشاهدات بیشتر از میانگین برای بازده خاص شرکت i در سال t است. معیار سوم، سیگمای حداکثری: برادشو¹ و همکاران (2010) بیان کردند سیگمای حداکثری به منظور ایجاد یک معیار کمی و پیوسته برای اندازه گیری ریسک سقوط قیمت سهام به کار می رود. همچنین، سیگمای حداکثری به عنوان بازده های پرت با توجه به انحراف معیار یک شرکت خاص تعریف می گردد. برای محاسبه این متغیر از رابطه زیر استفاده می شود (Bradshaw et al., 2010; Andreou et al., 2016).

$$EXTR_{SIGMA} = -Min \left[\frac{W-W}{\partial_w} \right] \quad (4)$$

2- Hutton

3- Andreou

4- Kibiya

1- Bradshaw

حسابرسی است. میانه معیار چولگی منفی بازده سهام به میزان 0/784- و نوسان پایین به بالا 0/610- است.

در کمیته حسابرسی به تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی به دست می‌آید (Appuhami & Tashakor, 2017).

تخصص کمیته حسابرسی: کوهن¹ و همکاران (2014) استدلال می‌کنند هنگامی که اعضای کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی در صنعت موردنظر باشند باعث تقویت فرایند گزارشگری مالی می‌شود و افزایش کیفیت گزارشگری مالی باعث کاهش ریسک سقوط قیمت سهام می‌گردد. تخصص مالی و حسابداری اعضای کمیته حسابرسی از طریق حاصل نسبت اعضای کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی و حسابداری به کل اعضای کمیته حسابرسی سنجیده می‌شود (برزگر و همکاران، 1398).

اندازه کمیته حسابرسی: پرسونز (2005) معتقد است که هرچه اندازه کمیته حسابرسی بزرگ‌تر باشد، احتمال افزایش در افشای اطلاعات شرکت و کیفیت گزارشگری مالی بیشتر نیز می‌گردد و به تبع آن ریسک سقوط قیمت سهام کاهش خواهد یافت. اندازه کمیته حسابرسی از طریق تعداد کل اعضای کمیته حسابرسی شرکت به دست می‌آید (Appuhami & Tashakor, 2017).

5- یافته‌های تحقیق

جدول 1، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی است را برای نمونه‌ای متشکل از 150 شرکت در فاصله زمانی 1392 تا 1397 نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این جدول ملاحظه می‌شود، مقدار میانگین متغیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (0/843)، حاکی از آن است که به‌طور متوسط حدود 84 درصد از اعضای کمیته حسابرسی از تخصص کافی در زمینه حسابداری مالی، مدیریت و حسابرسی برخوردارند. همچنین میانگین استقلال کمیته حسابرسی، برابر با 0/713 است که نشان‌دهنده وجود استقلال در بین اعضای کمیته

1- Cohen

جدول 1- آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
اندازه کمیته حسابرسی	3/10	3	3	5	0/54
تخصص کمیته حسابرسی	0/84	1	0/20	1	0/34
استقلال کمیته حسابرسی	0/71	0/66	0/33	1	0/19
چولگی منفی بازده سهام	-0/57	-0/78	-3/81	3/64	2/12
نوسان پایین به بالا	-0/43	-0/61	-2/19	2/23	1/52
سیگمای حداکثری	2/21	2/19	0/69	3/16	0/68
بازده ماهانه خاص شرکت	17/44	12/49	0/000	31/52	0/74
قابلیت مقایسه صورت مالی	0/056	0/088	-0/317	0/349	0/07

برازش مدل‌های اندازه‌گیری

در برازش مدل اندازه‌گیری از معیار پایایی نیز استفاده شده است که از سه طریق، سنجش بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بررسی می‌گردد. مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی، 0/4 می‌باشد. هرچه این میزان در رابطه با یک سازه

مشخص بیشتر باشد، آن شاخص سهم بیشتری در تبیین آن سازه ایفا می‌کند (Henseler et al., 2009). با توجه به جدول 2، تمامی ضرایب بارهای عاملی از 0/4 بیشتر است که بیانگر مناسب بودن مدل‌های اندازه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش می‌باشد.

جدول 2- بار عاملی هر یک از متغیرهای آشکار پژوهش

سازه‌ها	عنوان در مدل	زیرسازه	بار عاملی
ریسک سقوط قیمت سهام	SPCR	NCSKEW DUVOL EXTER_SIGMA RET	0/91 0/85 0/96 0/77
کمیته حسابرسی	AC	INDAUD EXAUD AUDSIZE	0/91 0/83 0/96

ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی نیز در صورتی که بالاتر از 0/7 باشد، حاکی از پایایی مناسب مدل می‌باشند. از آنجایی که ضریب پایایی عددی بین صفر تا یک می‌باشد که صفر نشانگر عدم وجود پایایی است و یک پایایی صددرصد را نشان می‌دهد؛ لذا هرچه

میزان پایایی و آلفای کرونباخ به عدد یک نزدیک‌تر باشد بهتر است (Henseler et al., 2009). با توجه به جدول 3 مقادیر مربوط برای تمامی سازه‌ها بالاتر از 0/7 بوده که نشان‌دهنده پایایی مناسب مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش است.

جدول 3- ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهای پنهان

متغیرهای پنهان	عنوان در مدل	ضریب آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی
کیفیت گزارشگری مالی	FRQ	0/92	0/92
ریسک سقوط قیمت سهام	SPCR	0/88	0/94
ویژگی‌های کمیته حسابرسی	AC	0/93	0/79
ویژگی‌های کمیته حسابرسی × کیفیت گزارشگری مالی	AC *FRQ	0/91	0/85

برازش مدل ساختاری

بخش مدل ساختاری بر خلاف مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش، به متغیرهای آشکار کاری ندارد بلکه تنها متغیرهای پنهان پژوهش همراه با روابط میان آن‌ها بررسی می‌شود. اولین معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری در یک پژوهش، ضرایب R^2 مربوط به متغیرهای درون‌زا (وابسته) مدل است. R^2 معیاری است که نشان‌دهنده تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا می‌باشد و سه مقدار 0/19، 0/33 و 0/67 به‌عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی

R^2 در نظر گرفته می‌شوند؛ بدین معنی که این شاخص، توانایی پیش‌بینی کلی مدل را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ یعنی این‌که آیا مدل آزمون شده در پیش‌بینی متغیرهای پنهان درون‌زا موفق بوده است یا خیر. مطابق با جدول 4 مقدار R^2 برای متغیر درون‌زای پژوهش محاسبه شده است که با توجه به مقادیر ملاک، می‌توان مناسب بودن برازش مدل ساختاری پژوهش را تأیید کرد. لازم به ذکر است که این ضریب برای متغیرهای برون‌زا محاسبه نمی‌گردد.

جدول 4- نتایج معیار R^2 متغیر درون‌زا

متغیر درون‌زا	عنوان در مدل	R^2
ریسک سقوط قیمت سهام	SPCR	0/36

دومین معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش، مقدار Q^2 متغیرهای درون‌زای مدل است. این معیار، قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌کند. هر یک از سه مقدار 0/02، 0/15 و 0/35 برای این معیار را به ترتیب بیانگر قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی در

مورد سازه مربوطه معرفی کرده‌اند. با توجه به جدول 5، مقدار Q^2 متغیر درون‌زا از 0/15 بیشتر شده است که نشان از قدرت پیش‌بینی قوی مدل دارد و برازش مناسب مدل ساختاری پژوهش را تأیید می‌کند.

جدول 5- نتایج معیار Q^2 در پیش‌بینی مدل

کل	SSE	SSO	$Q^2 = 1 - \frac{SSE}{SSO}$
ریسک سقوط قیمت سهام	45	300	0/85

برازش مدل کلی

پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری، مدل کلی معادلات ساختاری پژوهش باید با استفاده از معیار نیکویی برازش (GOF) بررسی گردد. مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود و با تأیید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. برای بررسی برازش مدل کلی، از معیار GOF به شرح رابطه زیر، استفاده می‌شود:

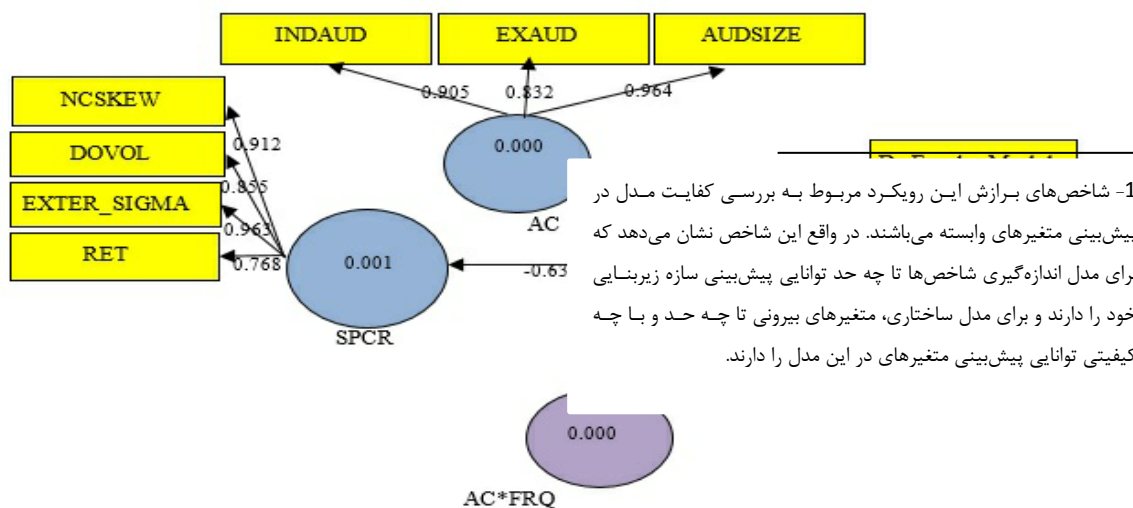
$$GOF = \sqrt{\text{communalities} \times R^2}$$

که در آن *Communalities*: میانگین مقادیر اشتراکی¹ متغیرهای پنهان و R^2 : میانگین مقادیر ضریب

تعیین متغیرهای درون‌زای مدل است. سه مقدار 0/01، 0/25 و 0/36 به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF در نظر گرفته می‌شود. با توجه به این که مقدار به دست آمده برای مدل پژوهش، 0/487 است؛ لذا برازش بسیار مناسب مدل کلی پژوهش، تأیید می‌شود.

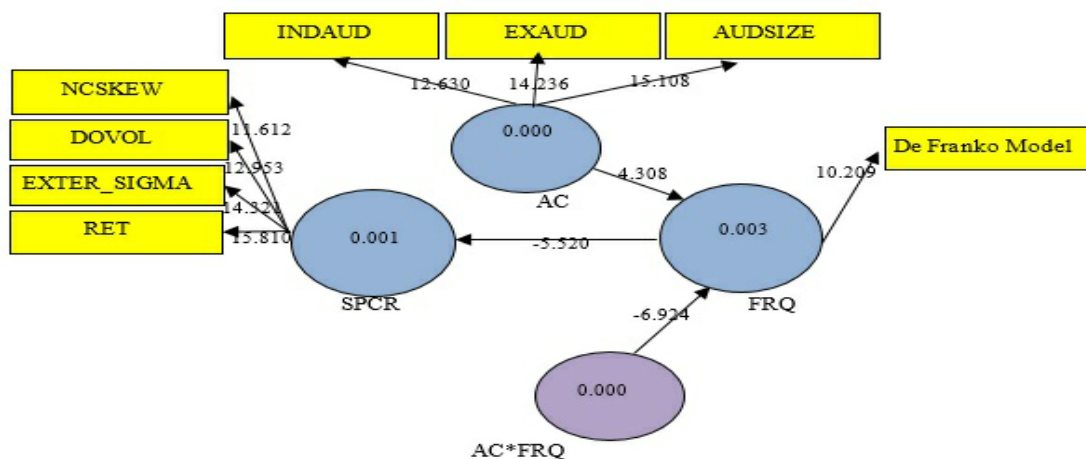
نتایج آزمون فرضیه‌ها

پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری و داشتن برازش مناسب مدل کلی و با توجه به شکل‌های 2 و 3، به بررسی نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود که نتایج آن در جدول 6 ارائه شده است:



1- شاخص‌های برازش این رویکرد مربوط به بررسی کفایت مدل در پیش‌بینی متغیرهای وابسته می‌باشند. در واقع این شاخص نشان می‌دهد که برای مدل اندازه‌گیری شاخص‌ها تا چه حد توانایی پیش‌بینی سازه زیربنایی خود را دارند و برای مدل ساختاری، متغیرهای بیرونی تا چه حد و با چه کیفیتی توانایی پیش‌بینی متغیرهای در این مدل را دارند.

شکل 2- مدل پژوهش همراه با ضریب استاندارد شده مسیر



شکل 3- مدل پژوهش همراه با مقادیر t-values

جدول 6- نتایج مربوط به آزمون فرضیه پژوهش

مسیر	علامت اختصاری	ضریب مسیر	t آماره	نتیجه آزمون فرضیه
--- ریسک سقوط قیمت سهام < کیفیت گزارشگری مالی	SPCR > --- FRQ	-0/63	-5/52	پذیرش فرضیه
کیفیت گزارشگری × ویژگی‌های کمیته حسابرسی ریسک سقوط قیمت سهام --- مالی	SPCR > --- AC*FRQ	-0/87	-6/92	پذیرش فرضیه

همان‌طور که در جدول 6 ملاحظه می‌شود ضریب مسیر بین کیفیت گزارشگری مالی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت، منفی (0/63-) و آماره t آن (5/52-) بزرگ‌تر از مقدار 1/96 است که حاکی از وجود رابطه منفی معنادار بین کیفیت گزارشگری مالی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها می‌باشد. بر این اساس، فرضیه اول پژوهش، رد نمی‌شود. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که آماره t مربوط به متغیر اثر تعاملی ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی (6/92-) بزرگ‌تر از مقدار 1/96 بوده و ضریب مسیر آن نیز (0/86-) منفی به دست آمده است. بدین ترتیب، فرضیه دوم پژوهش نیز در سطح خطای 5 درصد رد نمی‌شود. نتیجه به‌دست‌آمده از فرضیه دوم پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های کمیته حسابرسی، رابطه منفی بین کیفیت گزارشگری مالی و ریسک سقوط قیمت سهام را تشدید می‌کند.

6- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی، بیشتر به اطلاعاتی که از طریق گزارش‌های سالانه برای تصمیم‌گیری ارائه می‌شود، اتکا می‌نمایند. این انتظار وجود دارد که گزارش‌های ارائه‌شده معتبر، قابل‌اتکا و مربوط باشد تا سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان بتوانند تصمیمات مناسبی اتخاذ کنند؛ بنابراین، کمیته حسابرسی یکی از مهم‌ترین سازوکارهای حاکمیت شرکتی است که بر فعالیت مدیران نظارت دارد و هزینه نمایندگی را در شرکت‌ها کاهش می‌دهد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که

استقلال، اندازه و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی می‌تواند عاملی جهت دستیابی به منافع سهامداران به شمار آید که بر کاهش مدیریت سود و افزایش کیفیت گزارشگری مالی تأثیرگذار است. از سویی، هرچه صورت‌های مالی ارائه‌شده از قابلیت مقایسه بالاتری برخوردار باشد، انگیزه مدیران برای مخفی کردن اخبار منفی نیز کاهش یافته؛ زیرا سرمایه‌گذاران با دسترسی به اطلاعات مربوط به بنگاه‌های مشابه شناخت بهتری از عملکرد بنگاه را کسب می‌کنند. نتیجه آزمون فرضیه اول پژوهش حاکی از آن است که کیفیت گزارشگری مالی، ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش می‌دهد. در خصوص تأیید فرضیه فوق، می‌توان چنین استدلال کرد که قابلیت مقایسه به‌عنوان یک ویژگی کیفی منجر می‌شود تا اطلاعات به‌موقع و به‌طور کارا در قیمت سهام منعکس شده و در نتیجه قیمت‌گذاری نادرست سهام کاهش یابد؛ لذا نتیجه حاصل از فرضیه اول با پژوهش‌های احمد و همکاران (2017) و کیم و همکاران (2016) مطابقت دارد.

در فرضیه دوم پژوهش، اثر تعدیلی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها بررسی شد؛ به‌طوری‌که با افزایش عامل‌های مؤثر بر کیفیت کمیته حسابرسی از جمله استقلال، اندازه و تخصص اعضای کمیته حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی نیز افزایش به‌تبع آن، ریسک سقوط قیمت سهام کاهش می‌یابد. کمیته حسابرسی که یکی از سازوکارهای مهم حاکمیت شرکتی به‌حساب می‌آید باعث ایجاد روابط بهتر بین

بادآور نهندی، یونس؛ بابایی، قادر. (1398). ارتباط قابلیت

مقایسه صورت‌های مالی و ریسک سقوط قیمت سهام با

تأکید بر نقش عدم‌تقارن اطلاعاتی. نشریه پژوهش‌های

کاربردی در گزارشگری مالی، 8(14)، 173-206.

برزگر، قدرت‌اله؛ نتاج کردی، محسن حسن؛ ملکی، دنیا.

(1398). بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر

افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها. نشریه بررسی‌های

حسابداری و حسابرسی، 26(1)، 38-19.

توانگر حمزه کلایی، افسانه؛ اسکافی اصل، مهدی. (1397).

ارتباط بین قدرت مدیرعامل، ویژگی‌های کمیته

حسابرسی و کیفیت داخلی. نشریه پژوهش‌های

حسابداری مالی و حسابرسی، 10(38)، 187-207.

حاجیه، زهره؛ چناری بوکت، حسن. (1396). قابلیت مقایسه

صورت‌های مالی و مدیریت سود واقعی. نشریه

پژوهش‌های حسابداری مالی، 9(33)، 48-33.

خزایی، مهدی؛ زلفی، حسن؛ افلاطونی، عباس. (1398). تأثیر

توانایی مدیریت بر میزان قابلیت مقایسه صورت‌های

مالی. نشریه دانش حسابداری، 10(2)، 42-21.

دارابی، رویا؛ ریاضی، مریم. (1395). ارتباط بین ریسک

سقوط آتی قیمت سهام با گزارشگری مالی غیرشفاف

در شرکت‌های با درصد سهام شناور آزاد پایین. مجله

پژوهشنامه اقتصاد و کسب‌وکار، 6(12)، 33-23.

رضائی پشته نوئی، یاسر؛ عبدالهی، احمد. (1398). قابلیت

مقایسه صورت‌های مالی و احتمال گزارشگری متقلبانه.

نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، 11(2)، 89-104.

شکری دوغ‌آبادی، محمد؛ مرادی، مهدی. (1398). بررسی

رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و مدیریت سود.

مجله پیشرفت‌های حسابداری، 11(1)، 165-193.

طالب‌نیا، قدرت‌اله؛ رجب دری، حسین. (1397). تأثیر کمیته

حسابرسی بر ریسک سقوط قیمت سهام: با نگاهی به

افشای داوطلبانه اخلاق. نشریه پژوهش‌های حسابداری

مالی، 10(1)، 110-95.

فروغی، داریوش؛ امیری، هادی؛ میرزایی، منوچهر. (1390).

تأثیر شفاف نبودن اطلاعات مالی بر ریسک سقوط

قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق

مدیران و سهامداران و سایر ذی‌نفعان می‌شود. ازاین‌رو،

حاکمیت شرکتی ساختارهایی را فراهم می‌کند که بر

عملکرد سازمان نظارت بیشتری وجود داشته باشد. به

همین دلیل یکی از این سازوکارها، وجود اعضای مستقل

و متخصص در کمیته حسابرسی است که می‌تواند

موجب کاهش تضاد منافع بین مدیران و ذی‌نفعان و

افزایش کیفیت گزارشگری مالی از طریق اطلاعات

قابل مقایسه و اتکا به سهامداران گردد؛ بنابراین می‌توان

این‌گونه اظهار داشت که ویژگی‌های کمیته حسابرسی

به‌عنوان نقش تعدیل‌کننده می‌تواند باعث تشدید ارتباط

منفی بین کیفیت گزارشگری مالی و ریسک سقوط

قیمت سهام گردد؛ لذا این نتیجه با نتایج پژوهش کیم و

همکاران (2016) مطابقت دارد.

با توجه به نتایج فرضیه‌های پژوهش حاضر به

سهامداران و اعضای هیئت مدیره پیشنهاد می‌شود که با

انتخاب مدیرانی که از توانایی بالایی برخوردارند، از

ریسک سقوط قیمت سهام شرکت خود جلوگیری شود و

موجبات بهبود وضعیت شرکت خود را فراهم نمایند.

همچنین، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد که به

اعضای کمیته حسابرسی شرکت‌ها توجه ویژه‌ای کنند تا

از این طریق اطمینان از سازوکارهای مناسب حاکمیت

شرکتی در شرکت‌ها کسب نمایند. همچنین با توجه به

تأکید نتایج بر انگیزه‌های نمایندگی مدیران، به

قانون‌گذاران از جمله سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد

می‌شود تا با اتخاذ سیاست‌ها و راهکارهای عملی در

راستای ایجاد شفافیت و کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی،

توانایی مدیران را در توسعه‌طلبی محدود، به طوری که تا

حدودی از ریسک سقوط قیمت سهام پیشگیری شود.

8- منابع

احمدی، محمدمضان، قلمبر، محمدحسین؛ درسه، سیدصابر.

(1398). بررسی تأثیر معیارهای اعتماد بیش از حد

مدیران ارشد بر خطر سقط آتی قیمت سهام در

شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران.

بهادار تهران. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، 3(4)،

15-40.

کردستانی، غلامرضا؛ خاتمی، زینت. (1395). بررسی ارتباط

بین کیفیت اطلاعات حسابداری و حسابداری

محافظه‌کارانه با ریسک سقوط قیمت سهام. نشریه

دانش حسابداری مالی، 3(2)، 109-130.

مهربان‌پور، محمدرضا؛ فرجی، امید؛ سجادی‌پور، رضا. (1399).

نقش میانجی کیفیت گزارشگری مالی در رابطه بین

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد.

نشریه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، 27(1)،

132-153.

نوری‌فرد، یداله؛ کاظمی، ژاله. (1398). رابطه قابلیت مقایسه

صورت‌های مالی و ریسک سقوط مورد انتظار قیمت

سهام. نشریه تحقیقات حسابداری و حسابرسی،

11(44)، 107-124.

Andreou, P. C., Antoniou, C., Horton, J., &

Louca, C. (2016). Corporate governance

and firm-specific stock price crashes.

European Financial Management, 22(5),

916-956.

Appuhami, R., & Tashakor, S. (2017). The

impact of audit committee characteristics

on CSR disclosure: An analysis of

Australian firms. *Australian Accounting*

Review, 27(4), 400-420.

Bajra, U., & Čadež, S. (2018). Audit

committees and financial reporting

quality: The 8th EU Company Law

Directive perspective. *Economic*

Systems, 42(1), 151-163.

1399

- Bradshaw, M. T., Hutton, A. P., Marcus, A. J., & Tehranian, H. (2010). Opacity, crash risk, and the option smirk curve. *Available at SSRN 1640733*.
- Cao, C., Xia, C., & Chan, K. C. (2016). Social trust and stock price crash risk: Evidence from China. *International Review of Economics & Finance*, 46, 148-165.
- Chen, C. W., Collins, D. W., Kravet, T. D., & Mergenthaler, R. D. (2018). Financial statement comparability and the efficiency of acquisition decisions. *Contemporary Accounting Research*, 35(1), 164-202.
- Chen, S., & Komal, B. (2018). Audit committee financial expertise and earnings quality: A meta-analysis. *Journal of Business Research*, 84, 253-270.
- Cohen, J. R., Hoitash, U., Krishnamoorthy, G., & Wright, A. M. (2014). The effect of audit committee industry expertise on monitoring the financial reporting process. *The Accounting Review*, 89(1), 243-273.
- De Franco, G., Kothari, S. P., & Verdi, R. S. (2011). The benefits of financial statement comparability. *Journal of Accounting Research*, 49(4), 895-931.
- Fang, T. Y., Lin, F., Lin, S. W., & Huang, Y. H. (2020). The association between political connection and stock price crash risk: Using financial reporting quality as a moderator. *Finance Research Letters*, 34(C).
- Habib, A., Hasan, M. M., & Al-Hadi, A. (2017). Financial statement comparability and corporate cash holdings. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 13(3), 304-321.
- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. In *New challenges to international marketing*. Emerald Group Publishing Limited.
- Hutton, A. P., Marcus, A. J., & Tehranian, H. (2009). Opaque financial reports, R2, and crash risk. *Journal of financial Economics*, 94(1), 67-86.
- International Accounting Standards Board. (2018). The Conceptual Framework for Financial Reporting 2018. London, United Kingdom: *International Accounting Standards Board*.
- Kibiya, M. U., Che-Ahmad, A., & Amran, N. A. (2016). Audit committee independence, financial expertise, share ownership and financial reporting quality: Further evidence from Nigeria. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 6(7S).
- Kim, J. B., & Zhang, L. (2016). Accounting conservatism and stock price crash risk: Firm-level evidence. *Contemporary Accounting Research*, 33(1), 412-441.
- Kim, J. B., Li, L., Lu, L. Y., & Yu, Y. (2016). Financial statement comparability and expected crash risk. *Journal of Accounting and Economics*, 61(2-3), 294-312.
- Kim, J. B., Li, Y., & Zhang, L. (2011). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis. *Journal of Financial Economics*, 100(3), 639-662.
- Kim, J., Kim, R., & Kim, S. (2020). Does financial statement comparability mitigate delayed trading volume before earnings announcements?. *Journal of Business Research*, 107, 62-75.
- Kim, S., & Lim, C.S (2017). Earnings comparability and informed trading. *Finance Research Letters*, 20, 130-136.
- Kim, S., Kraft, P., & Ryan, S. G. (2013). Financial statement comparability and credit risk. *Review of Accounting Studies*, 18(3), 783-823.
- Klein, A. (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management. *Journal of accounting and economics*, 33(3), 375-400.
- Lee, J. S., Yen, P. H., & Lee, L. C. (2019). Political connection and stock returns: Evidence from party alternation in

- Taiwan. *International Review of Economics & Finance*, 63, 128-137.
- Li, X., & Chan, K. C. (2016). Communist party control and stock price crash risk: Evidence from China. *Economics Letters*, 141, 5-7.
- Li, X., Wang, S. S., & Wang, X. (2017). Trust and stock price crash risk: Evidence from China. *Journal of Banking & Finance*, 76, 74-91.
- Mat Yasin, F., Muhamad, R., & Sulaiman, N. A. (2014). Corporate governance research: A review of qualitative literature.
- Miihkinen, A. (2012). What drives quality of firm risk disclosure?: the impact of a national disclosure standard and reporting incentives under IFRS. *The International Journal of Accounting*, 47(4), 437-468.
- Othman, R., Ishak, I. F., Arif, S. M. M., & Aris, N. A. (2014). Influence of audit committee characteristics on voluntary ethics disclosure. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 145, 330-342.
- Palepu, K. G., & Healy, P. M. (2013). Business analysis and valuation: Using financial statements, text and cases.
- Persons, O. S. (2005). The relation between the new corporate governance rules and the likelihood of financial statement fraud. *Review of Accounting and Finance*.
- Persons, O. S. (2010). Could investors use voluntary ethics disclosure to assess the likelihood of fraudulent financial reporting?. *International Journal of Disclosure and Governance*, 7(2), 153-166.
- Persons, O. S. (2013). Characteristics and financial performance of no-ethics-code firms. *Journal of academic and business ethics*, 7, 1.
- Ross, J., Shi, L., & Xie, H. (2019). The determinants of accounting comparability around the world. *Asian Review of Accounting*.
- Rustam, S., Rashid, K., & Zaman, K. (2013). RETRACTED: The relationship between audit committees, compensation incentives and corporate audit fees in Pakistan.
- Tee, C. M. (2019). Political connections and stock price crash risk: evidence of institutional investors' heterogeneous monitoring. *Spanish Journal of Finance and Accounting/ Revista Española de Financiación y Contabilidad*, 48(1), 50-67.